

فاطمه عليها السلام، ليلة القدر

دکتر سیّد محمد بنی هاشمی

سرشناسه: بنی هاشمی، سید محمد
 عنوان و نام پدیدآور: فاطمه علیها السلام لیلة القدر / سید محمد
 بنی هاشمی.
 مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۹۶.
 مشخصات ظاهری: ۸۰ ص.
 شابک: ۷-۶۰۳-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا.
 موضوع: فاطمه زهرا علیها السلام، ۸ قبل از هجرت - ۱۱ ق. نام‌ها،
 احادیث، فضایل، شب قدر.
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ب ۲ ن / ۳ / ۲۷ BP
 رده‌بندی دیویی: ۹۷۳ / ۳۹۷
 شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۴۷۳۹۳۳۷



شابک ۷-۶۰۳-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸ - 7 ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۶۰۳ - 539-603-978-964-539-603-7

فاطمه علیها السلام، لیلة القدر
 دکتر سیّد محمد بنی هاشمی
 ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر
 نوبت چاپ: دوم / ۱۳۹۷
 تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
 چاپ: بهمن



تهران، خیابان مجاهدین، چهارراه آپسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹
 تلفن و فاکس: ۷۷۵۲۱۸۳۶ (۶ خط)
 اینستاگرام:
 monir_publisher

پست الکترونیک:
 info@monir.com



کانال تلگرام:
 telegram.me/monirpub







تقدیم به:

حقیقت لیلۃ القدر
و مظلومه‌ای که در دنیا ناشناخته ماند.
اما هدف از خلقت جز به وجود مقدّسش
برآورده شدنی نیست.

به نیابت از:

سالله‌ی پاکش
امام رؤوف و غریب و عزیزمان
حضرت امام علیّ بن موسی الرضا
علیه آلاف التّحیّة و الثّناء



فهرست مطالب

پیش گفتار	۱۱
فصل ۱: ارزش معرفت حضرت زهرا علیها السلام	۱۸
تنزیل و تأویل قرآن	۱۸
حضرت زهرا علیها السلام : تأویل شب قدر	۱۹
معرفت حضرت زهرا علیها السلام : باب ایمان به خدا	۲۱
افزایش معرفت به حضرت زهرا علیها السلام	۲۲
طهارت روح: شرط ازدیاد معرفت	۲۴
سپاس‌گزاری بر نعمت معرفت	۲۵
فصل ۲: تفسیر نخست نام مبارک فاطمه علیها السلام	۲۷
اسم: راه شناخت مسّی	۲۷
اسامی حضرت زهرا علیها السلام	۲۷

فاطمه: دور از شناخت خلایق ۲۸

فصل ۳: تفسیر دوم نام مبارک فاطمه علیها السلام ۳۱

فاطمه: دور از آتش دوزخ ۳۱

نجات محبتان حضرت زهرا علیها السلام در قیامت ۳۳

آشکار شدن مقام حضرت زهرا علیها السلام در قیامت ۳۵

فصل ۴: تفسیر سوم نام مبارک فاطمه علیها السلام ۳۹

فاطمه: دوری دشمنان از محبت ایشان ۳۹

محبت اهل بیت علیهم السلام، رزق بزرگ معنوی ۴۰

حقیقت معرفت به حضرت زهرا علیها السلام ۴۱

بلندای مقام حضرت زهرا علیها السلام نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم ۴۲

حضرت زهرا علیها السلام تجسم همه‌ی محاسن ۴۳

معرفت، مقدمه اعطای محبت ۴۴

سنخیت محب با محبوب، مقدمه‌ی اعطای معرفت ۴۵

مودت به حضرت زهرا علیها السلام ۴۶

فصل ۵: تفسیر چهارم نام مبارک فاطمه علیها السلام ۴۹

فاطمه: پیراسته از بدی‌ها ۴۹

بلندای مقام امیرالمؤمنین علیه السلام ۵۰

همتای فاطمه علیها السلام ۵۲

زمین، مهریه‌ی حضرت زهرا علیها السلام ۵۵

فهرست مطالب * ۹

درخت طوبی، مهریه‌ی حضرت زهرا (علیها السلام)	۵۷
دنیا، بهشت و دوزخ، مهریه‌ی حضرت زهرا (علیها السلام)	۵۸
امیرالمؤمنین (علیه السلام): قسیم الجنة و النار	۵۹
محبت اهل بیت (علیهم السلام)، معیار ایمان و کفر	۶۰
فصل ۶: تفسیر پنجم نام مبارک فاطمه (علیها السلام)	۶۳
فاطمه: ناامیدکننده‌ی دشمنان پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)	۶۳
راز کینه‌توزی با حضرت زهرا (علیها السلام)	۶۴
وصایای پیامبر درباره‌ی حضرت زهرا (علیها السلام)	۶۶
هجوم به خانه‌ی وحی و شهادت حضرت زهرا (علیها السلام)	۶۷
پیوند روحی با حضرت زهرا (علیها السلام)	۷۱
فهرست منابع	۷۵



پیش‌گفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصَّدِّيقَةِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ الزَّكِيَّةِ حَبِيبَةِ نَبِيِّكَ وَ
أُمَّ أَحِبَّائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ الَّتِي اِتَّجَبْتَهَا وَ فَضَّلْتَهَا وَ اخْتَرْتَهَا
عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ.^۱

نمی‌دانیم خدا را چگونه سپاس گزاریم که ما را در دنیا، با حبیبه‌ی
خود، عصاره‌ی هستی و میوه‌ی دل حبیبش صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَسَلَّمَ، یعنی وجود مقدّس
حضرت صدّیقه فاطمه عَلِیْهَا السَّلَام آشنا نمود و توفیق عرض ارادت و محبّت به
پیشگاهش را عنایت فرمود.

پیش از هر چیز باید از خداوند بخواهیم که معرفت این یگانه‌ی
عالم هستی را در ما روزافزون فرماید. برای آن‌که عظمت مقام
صدّیقه‌ی کبری عَلِیْهَا السَّلَام را بهتر درک کنیم، کافی است به فرمایش خدای

۱. جمال الأسبوع، ص ۴۸۶ به نقل از امام حسن عسکری عَلِیْهِ السَّلَام.

متعال در شأن ایشان توجّه کنیم. این حدیث قدسی را جناب جابرین
عبدالله انصاری از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از ذات مقدّس ربوبی نقل
فرموده است:

يَا أَحْمَدُ! لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ وَ لَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ وَ
لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمَا.^۱

ای احمد! اگر تو نبودی، هرگز افلاک را نمی آفریدم و اگر
علی عليه السلام نبود، تو را نمی آفریدم و اگر فاطمه عليها السلام نبود، شما دو
نفر را نمی آفریدم.

مقصود خداوند متعال از این خطاب شریف، این نیست که مقام
امیرالمؤمنین عليه السلام از منزلت رسول گرامی بالاتر و یا مرتبه‌ی صدّیقه‌ی
کبری عليها السلام از پدر و شوهر گرامی اش برتر است؛ قطعاً چنین نیست. اصلاً
حدیث شریف در مقام بیان مراتب این ذوات مقدّسه نیست.

احتمالی که درباره‌ی معنای این حدیث قدسی به نظر می‌رسد، این
است که کلام الهی ناظر به هدف از خلقت بندگان می‌باشد. از آن‌جا که
هدف غایی و نهایی از خلقت، معرفت و بندگی خدای متعال است، باید
طریق منحصر به فرد تحقّق این هدف را بشناسیم.

بر اساس آموزه‌های اهل بیت عليهم السلام این مهم تنها و تنها به واسطه‌ی
پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و عترت ایشان، محقّق شدنی است. امام باقر عليه السلام در

۱. این حدیث شریف را مرحوم میرجهانی در کتاب «جنة العاصمة» در صفحه‌ی
۲۹۷ با سند کامل از کتاب «كشف اللألی» نوشته‌ی صالح بن عبدالوهاب بن العرنس
الحلی، نقل فرموده است. هم چنین مرحوم رحمانی همدانی در کتاب «فاطمة الزهراء
بهجة قلب المصطفى» در صفحه‌ی ۹، همین حدیث شریف را از کتاب «منتقى
البحرین» نوشته‌ی علامه مردی، صفحه‌ی ۱۴، نقل نموده است.

این باره می‌فرمایند:

بِنَا عِبَدَ اللَّهِ وَبِنَا عُرِفَ اللَّهُ وَبِنَا وَحَدَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى^۱.

به واسطه‌ی ما خداوند بندگی شده و به واسطه‌ی ما خداوند شناخته شده و به واسطه‌ی ما، توحید خدای متعال محقق گردیده است.

امام صادق علیه السلام نیز در این خصوص فرموده‌اند:

الْأَوْصِيَاءُ هُمُ ابْوَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الَّتِي يُؤْتَى مِنْهَا وَلَوْ لَهُمْ مَا عُرِفَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ^۲.

جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هستند که درهای خدای عز و جل برای راه یافتن به سوی او می‌باشند و اگر آنان نبودند، خدای عز و جل شناخته نمی‌شد.

این دو حدیث نمونه‌هایی از احادیث فراوان در این موضوع‌اند که همه‌ی آن‌ها یک‌صد تنها واسطه‌ی تحقق هدف از خلقت را، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت ایشان می‌دانند. بیان چگونگی این وساطت، نیاز به شرح و تفصیلی جداگانه دارد که این جا مجال آن نیست.^۳ آن‌چه مسلم است این‌که معرفت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام جنبه‌ی تشریعی این وساطت می‌باشد؛ چرا که معرفت و بندگی خداوند جز با معرفت و محبت و اطاعت از این ذوات مقدسه امکان‌پذیر نیست.

۱. کافی، ج ۱، ص ۱۴۵.

۲. کافی، ج ۱، ص ۱۹۳.

۳. توضیح گوشه‌ای از این مطلب در کتاب «معرفت امام عصر علیه السلام» از همین نویسنده آمده است.

امام باقر علیه السلام در پاسخ به سؤال ابو حمزه‌ی ثمالی که پرسیده بود:
«معرفت خداوند چیست؟» فرمودند:

تَصَدِّقُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ تَصَدِّقُ رَسُولِهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ مَوَالَاهُ
عَلَى علیه السلام وَ الْإِتِمَامُ بِهِ وَ بِأُتَمَّةِ الْهُدَى علیه السلام وَ الْبِرَاءَةُ إِلَى اللَّهِ
عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ عَدُوِّهِمْ هَكَذَا يُعَرَّفُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ.^۱

باور داشتن خدای عز و جل و باور داشتن پیامبرش و دوستی و
همراهی با علی علیه السلام و پذیرفتن امامت او و ائمه‌ی هدی و
بیزاری جستن از دشمنان ایشان به سوی خدای عز و جل،
اینگونه خدای عز و جل شناخته می‌شود.

با این مقدمه می‌توان فهمید که هدف خداوند از خلقت، جز با خلق
پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام برآورده شدن نبوده است. در واقع هدف الهی
از خلق خلایق این بوده که به واسطه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام، خدا
را بندگی کنند. بنابراین اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نبود، خداوند هیچ مخلوقی را
نمی‌آفرید (حتی افلاک)، اما چون وساطت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در امر بندگی
خدا، جز با خلق وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام امکان‌پذیر نیست،
پس می‌توان گفت که: اگر خداوند نمی‌خواست امیرالمؤمنین علیه السلام را
بیافریند، وجود مقدس رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را هم نمی‌آفرید؛ چرا که
بدون آفرینش امیرمؤمنان علیه السلام، وساطت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای بندگی
خداوند محقق شدن نیست.

اما وساطت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام نیز جز با خلقت
ائمه‌ی طاهرین علیهم السلام تحقق نمی‌پذیرد. بنابراین هدف از خلقت، تنها و

تنها با آفرینش همه‌ی امامان علیهم‌السلام دست یافتنی است. این جاست که نقش محوری و بی‌بدیل حضرت صدّیقه‌ی طاهره علیها‌السلام در تحقق هدف از خلقت خلّاق روشن می‌گردد؛ چرا که ایشان «امّ‌الائمّه علیهم‌السلام» هستند و آفرینش امامان علیهم‌السلام به واسطه‌ی آن وجود مقدّس صورت پذیرفته است. از این رو می‌توان پذیرفت که اگر حبیب‌ی حبيب خدا نبود، هدف از آفرینش هیچ مخلوقی برآورده نمی‌شد.

شاید به همین جهت در حدیث قدسی آمده است که:

اگر فاطمه علیها‌السلام نبود، خداوند پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیرالمؤمنین علیه‌السلام را هم نمی‌آفرید.

بدون وجود فاطمه علیها‌السلام و ذریه‌ی معصوم ایشان، بندگی خداوند که هدف غایی از خلقت خلّاق است، برآورده نخواهد شد.

علاوه بر همه‌ی این‌ها باید به این حقیقت توجّه کرد که معرفت و محبّت حضرت صدّیقه‌ی طاهره علیها‌السلام و اقرار به فضائل ایشان، از بزرگترین عباداتی است که هدف از خلقت، جز با انجام آن، کامل نمی‌گردد. این عبادت تا آن جا عظمت دارد که پیامبران الهی نیز برای رسیدن به کمال نبوّت، نیاز به آن داشته‌اند.^۱

نتیجه این که هیچ‌کس جز با معرفت و محبّت و اقرار به فضائل آن حضرت به هدف از آفرینش خود نمی‌رسد. امّا فضیلت‌های این یگانه‌ی هستی چنان گسترده و فراوان است که باید اقرار کرد:

دنیا با همه‌ی وسعتش ظرفیّت نمایاندن مقام و منزلت سرور زنان بهشت را ندارد، لذا به فرموده‌ی فرزند گرامی‌اش، حضرت امام

۱. دلیل روایی این مطلب در متن کتاب آمده است.

صادق علیه السلام^۱، ایشان هم چون شب قدر، مقامشان ناشناخته مانده و هر کس هر قدر که آن چکیده‌ی هستی را بشناسد، باز هم از معرفت آن حضرت چنان که شایسته‌ی آن وجود مقدّس است، محروم و باز داشته شده است.

اما برای آن که به خدای بزرگ، اخلاص در بندگی خود را ثابت کنیم و نشان دهیم که می‌خواهیم در مسیر هدف از خلقت خود گام برداریم، بر آن شدیم که جرعه‌ای از اقیانوس بی‌کران معرفت نسبت به این عصاره‌ی هستی را بنوشیم و این شهد گوارا را برای چشیدن دیگر دوست‌داران آن یگانه‌ی عالم، بر صفحات کتاب «لیلۃ القدر، فاطمه علیها السلام» مجسم کنیم. باشد که خداوند به این وسیله، تشنگی شیفتگان آن عزیز را قدری فرو بنشانند.

نوشتاری که پیش رو دارید، تفسیری گذرا بر یکی از اسامی سرور زنان عالمیان، یعنی اسم مبارک «فاطمه» می‌باشد که براساس آموزه‌های خاندان وحی ارائه شده است.

این نوشته ابتدا به صورت گفتارهایی به مناسبت ایام فاطمیّه در سال ۱۴۳۰ ه. ق ارائه شده و سپس با همت یکی از شیفتگان این بانوی گرامی پیاده گردیده است. نیت خالصانه و همت والای یکی از افاضل دوستان، باعث شد تا این مجموعه به شکل نوشتار عرضه گردد. خداوند این خدمت شایسته را از هر دو با امضای کریمانه‌ی حضرت ثامن الائمه علیه السلام به نحو شایسته قبول فرماید و به ایشان توفیق تکمیل این بحث را با ارائه‌ی تفسیر مربوط به سایر اسامی حضرت صدیقه علیها السلام، عنایت کند. در این جا از محضر مقدّس امام علی بن موسی

۱. در متن کتاب، به فرمایش امام صادق علیه السلام و توضیح آن اشاره شده است.

پیش‌گفتار * ۱۷

الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ تقاضا داریم ما و همه‌ی دوست‌داران مادرمان را در راه معرفت و ارادت بیشتر و بالاتر به مقام و منزلت آن حضرت، بیش از پیش محفوظ بفرمایند.

سید محمد بنی هاشمی

جمادی الاولی ۱۴۳۸

بهمن ماه ۱۳۹۵

فصل

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَ مَا
أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ * تَنْزِيلُ
الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ * فِيهَا يَأْذُنُ رَبُّهُمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ * سَلَامٌ هِيَ
حَتَّى مَطَلَعِ الْفَجْرِ»

ارزش معرفت حضرت زهرا علیها السلام

تنزیل و تأویل قرآن

چنان‌که می‌دانیم، قرآن ظاهری دارد و باطنی؛ این بدان معناست که
غیر از معنای ظاهری یا آشکار، معانی باطنی یا غیر آشکار را نیز
می‌توان از این کتاب آسمانی دریافت نمود. بنابراین معانی قرآن محدود
به ظواهر آن نیست. به تعبیر دیگر، هر آیه‌ی قرآن تنزیل و تأویل دارد.
تنزیل همان مقصودی است که از خود الفاظ قرآن با توجه به معانی
لغوی آن‌ها فهمیده می‌شود، در حالی که درک تأویل آن، از خود الفاظ،
به تنهایی برای افراد عادی امکان‌پذیر نیست.

موضوع سخن، نگاهی به سوره‌ی قدر و بررسی تأویل آن است. خداوند متعال در این سوره می‌فرماید:

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾

ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم.

براساس ظاهر این آیه می‌توان دریافت که نزول قرآن از جانب خداوند در شب قدر بوده است. اما پرسش این است که باطن یا تأویل این آیه چیست؟ دریافت معنای تأویلی، جز از طریق عالمان به علوم قرآن، یعنی محمد و آل محمد علیهم السلام، ممکن نیست.^۱ بنابراین باید به کلام آنان مراجعه نمود و تأویل این آیه را، چون دیگر آیات، از ایشان آموخت.

حضرت زهرا علیها السلام: تأویل شب قدر

حضرت امام صادق علیه السلام در تأویل اولین آیه از سوره‌ی قدر می‌فرمایند:

﴿الَّيْلَةُ فَاطِمَةُ وَالْقَدْرُ اللَّهُ فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَإِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا﴾.^۲

۱. براساس روایات فراوانی که در مدارک شیعه از اهل بیت علیهم السلام، ذیل آیه‌ی شریفه‌ی «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» نقل شده است، اهل بیت علیهم السلام تنها دانایان به علم تأویل قرآن معرفی شده‌اند. به عنوان نمونه ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند: نَحْنُ الرَّاْسِخُونَ فِي الْعِلْمِ وَنَحْنُ نَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ. (کافی، ج ۱، ص ۲۱۳، باب أَنَّ الرَّاْسِخِينَ فِي الْعِلْمِ هُمُ الْأَثَمَةُ)

۲. تفسیر فرات کوفی، ص ۵۸۱.

«شب» حضرت فاطمه است و «قدر» خداوند است؛ پس هر که فاطمه را -چنان که حق معرفت اوست- بشناسد، شب قدر را درک کرده است. آن حضرت، فاطمه نامیده شده زیرا خلائق، از معرفت او بازداشته شده‌اند.

در این فرمایش نورانی، امام علیه السلام مراد از «لَیْلَةُ» را فاطمه علیها السلام و مراد از «قدر» را خداوند دانسته‌اند؛ بنابراین «لَیْلَةُ القدر» از منظر تأویل یعنی: «فاطمه‌ی خدا». نام مبارک فاطمه علیها السلام به نام مقدس خداوند، اضافه شده است. این اضافه، به جایگاه اختصاصی حضرت صدّیقه علیها السلام نزد خدای متعال اشاره دارد.

سپس امام علیه السلام می‌فرمایند:

فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَیْلَةَ الْقَدْرِ.

هر کس فاطمه علیها السلام را آن‌گونه که شایسته‌ی اوست بشناسد، شب قدر را درک نموده است.

درک شب قدر گران سنگ است، چنان‌که خداوند به پیامبرش می‌فرماید:

﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَیْلَةُ الْقَدْرِ﴾

تو چه می‌دانی که لَیْلَةُ الْقَدْرِ چیست؟

هر کس با خطابات قرآنی، آشنا باشد، می‌داند که بسیاری از این خطابات، بر مبنای «إِيَّاكَ أَعْنِي وَاسْمَعِي يَا جَارَةُ»^۱ می‌باشد. گرچه

۱. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «نزل القرآن بإيّاك أعني واسمعي يا جارة» قرآن بر اساس این ضرب المثل عربی نازل شده است که می‌گویند: «به تو می‌گویم ولی ای جارة»

ظاهر خطاب الهی با پیامبر خداست، ولی مقصود، دیگران اند. در این خطاب الهی نیز، گرچه حقایق شب قدر برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آشکار است، ولی عظمت این حقایق بر دیگران پوشیده است. خداوند با این بیان، آنان را به قدر و منزلت عظیم این شب، متوجه می سازد. روشن است که بزرگی این شب، براساس بزرگی حقایقی است که در این شب قرار داده شده است و حقایق آن برای عموم بشر دست نیافتنی است. لذا درک شب قدر، به طور کامل، ممکن نیست.

بر اساس کلام امام صادق علیه السلام در تأویل سوره ی قدر که حضرت زهرا علیها السلام را «قدر» معرفی فرموده و درک شب قدر را به شناخت آن حضرت دانسته اند، می توان دریافت که عظمت و جودی آن حضرت، به گونه ای است که همگان نمی توانند به معرفت ایشان دست یابند.

این بدان معناست که هیچ کس، جز حضرات معصومین، توانایی و مجال شناخت حضرت زهرا علیها السلام را آن طور که باید، ندارد.

معرفت حضرت زهرا علیها السلام: باب ایمان به خدا

باب ایمان با معرفت حضرت زهرا علیها السلام باز می شود. هرچه معرفت به آن حضرت بیشتر باشد، ایمان فزونی می یابد. این نردبان کمال تا بدان جا بالا می رود که امام صادق علیه السلام می فرماید:

مَا تَكَامَلَتِ الثُّبُوءُ لِنَبِيِّ حَتَّى أَقْرَبَ بِفَضْلِهَا وَمَحَبَّتِهَا.^۱

۱ همسایه! تو گوش کن.» (الکافی، ج ۲، ص ۶۳۱)

در فارسی چنین گفته می شود: «به در می گویم تا دیوار بشنود».

۱. عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۱۶۱.

نبوّت برای هیچ پیغمبری کامل نگردیده مگر این که به فضیلت حضرت زهرا علیها السلام و محبّت آن حضرت اقرار نموده است. به راستی بلندای مطلب تا کجاست! ما کجاییم و حقیقت کجاست؟! هیچ پیامبری در نبوّتش به کمال نمی رسد، مگر این که به فضیلت حضرت زهرا علیها السلام اقرار و اعتراف قلبی کند؛ یعنی اگر آدم ابوالبشر، ابراهیم خلیل الله، موسی کلیم الله، عیسی روح الله علیه السلام و حتّی شخص پیامبر خاتم، حبیب الله صلی الله علیه و آله و سلم، به کمال تبوّت رسیده اند، یکی از شرایط تکامل ایشان، اقرار به فضیلت این وجود مقدّس بوده است.

افزایش معرفت به حضرت زهرا علیها السلام

دستیابی به معرفت شایسته ی حضرت زهرا علیها السلام، برای غیر معصومین، ناممکن است و برای دیگران راهی وجود ندارد تا به صورت کامل به معرفت آن حضرت راه یابند. با این حال، می توان به درجاتی از معرفت به مقام آن حضرت، دست یافت. چنین نیست که عموم خلائق، هیچ نصیبی از معرفت آن حضرت نداشته باشند؛ بلکه هر کس به اندازه ی ایمانش، از این معرفت بهره مند است. البتّه هیچ کس نباید گمان کند که از آن چه شناخته و بدان رسیده، نمی تواند بالاتر رود. در پاسخ به این پرسش که «چگونه می توان در مراتب معرفت نسبت به آن وجود مقدّس بالا رفت؟» باید دانست که یکی از راه های افزایش معرفت، قرار دادن خود در معرض شنیدن فضایل آن بزرگوار است. به راستی که هر یک از فضایل، دریچه ای به سوی معرفت و محبّت آن حضرت است. از همین روست که در کلام معصومین، بر گفت و شنود فضایل اهل بیت علیهم السلام، تأکید شده است. در این زمینه، به

عنوان نمونه، به یک روایت اشاره می‌کنیم.

در فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امّ سلمه آمده است:

«محفلی در زمین تشکیل می‌گردد که فضایل اهل بیت علیهم السلام در آن خوانده می‌شود. ملائکه‌ی آسمان با استشمام بوی این مجلس، به زمین آمده، در آن شرکت می‌کنند و وجودشان به عطر فضایل اهل بیت علیهم السلام معطر می‌شود. سپس وقتی که به آسمان بازمی‌گردند، فرشتگان دیگر متوجه بوی خوش آن‌ها شده، می‌پرسند: این بوی خوش را از کجا آورده‌اید؟ پاسخ می‌شنوند: «در مجلسی بودیم که در آن، فضایل اهل بیت علیهم السلام ذکر می‌شد. آن فرشتگان نیز علاقه‌مند به حضور در آن مجلس می‌شوند؛ اما وقتی فرود می‌آیند، می‌بینند مجلس به پایان رسیده و ذکر فضیلت‌ها خاتمه یافته است؛ با این حال دیوارهای مجلس هم‌چنان معطر به عطر فضایل اهل بیت علیهم السلام است. پس بال‌هایشان را به دیوارها می‌کشند تا به آن بوی خوش آغشته شوند.»^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«ای علی! هر کسی که فضایل تو را بشنود، از گناهی که با گوش خود مرتکب شده، پاک می‌شود.»^۲

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَا مِنْ قَوْمٍ يَذْكُرُونَ فَضْلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام إِلَّا أَهْبَطَتْ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَةٌ تَحِفُّ بِهِمْ. وَإِذَا تَفَرَّقُوا عَرَجَتْ الْمَلَائِكَةُ إِلَى السَّمَاءِ، فَيَقُولُ لَهُمُ الْمَلَائِكَةُ: «إِنَّا نَسْمُ مِنْكُمْ رَائِحَةً لَمْ نَسْمُهَا مِنَ الْمَلَائِكَةِ، فَلَمْ تَرِ رَائِحَةً أَطْيَبَ مِنْهَا» فَيَقُولُونَ: «إِنَّا كُنَّا عِنْدَ قَوْمٍ يَذْكُرُونَ مُحَمَّدًا وَأَهْلَ بَيْتِهِ، فَعَبِقَ فِينَا مِنْ رِيحِهِمْ نَعْمَطُونَا». فَيَقُولُونَ: «أَهْبِطُوا بِنَا إِلَيْهِمْ» فَيَقُولُونَ لَهُمْ: «قَدْ تَفَرَّقُوا وَمَضَى كُلُّ وَاحِدٍ إِلَى مَنْزِلِهِ». فَيَقُولُونَ: «أَهْبِطُوا إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي كَانُوا فِيهِ، حَتَّى نَنْعَطِرَ بِذَلِكَ الْمَكَانِ». (الروضة في فضائل أميرالمؤمنين علي بن أبي طالب، ص ۱۸۹)

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِنْ لَمْ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَ لِأَخِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَضَائِلَ لَا



آری، این چنین است. شنیدن فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام موجب آمرزش گناهانی است که در ارتکاب آن‌ها، حسّ سامعه نقش داشته است. زبان نیز می‌تواند با بیان فضایل اهل بیت علیهم السلام پاک شود. هنگامی که انسان با زبان خود فضایل اهل بیت علیهم السلام را می‌گوید، تمام گناهانی که با زبانش انجام داده، آمرزیده می‌شود؛ ذکر فضایل ائمه علیهم السلام به منزله‌ی توبه از گناهان است.

تذکر این نکته نیز لازم است که هر چند شنیدن یا گفتن فضایل اهل بیت علیهم السلام دارای این اثر است که گناهان را محو نماید، اما گاه موانعی در این مسیر پدید می‌آید که نشأت گرفته از عملکرد و رفتارهای ماست؛ یعنی امکان اثرگذاری این کیمیا وجود دارد، اما گاهی خود، آن را از بین می‌بریم!

طهارت روح: شرط ازدیاد معرفت

باید بدانیم معرفت، امری ذهنی نیست، بلکه وجدانی است. معرفت حضرت زهرا علیها السلام نوری است که قلب و تمامی وجود انسان را روشن می‌کند. با افزایش این معرفت، خود به خود ناپاکی‌ها و آلودگی‌ها از وجود آدمی رخت می‌بندد. از سوی دیگر هر گناه کار، به همان اندازه

﴿يُخْصِي عَدَدَهَا غَيْرُهُ فَمَنْ ذَكَرَ فَضِيلَةً مِنْ فَضَائِلِهِ مُتَرَأً بِهَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ لَوْ وَافَى الْقِيَامَةَ بِذُنُوبِ الثَّقَلَيْنِ وَ مَنْ كَتَبَ فَضِيلَةً مِنْ فَضَائِلِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تَسْتَغْفِرُ لَهُ مَا بَقِيَ لِنَلِكِ الْكِتَابَةِ رَسْمٌ وَ مَنْ اسْتَمَعَ إِلَى فَضِيلَةٍ مِنْ فَضَائِلِهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الذُّنُوبَ الَّتِي اكْتَسَبَهَا بِالْأَذْنُوبِ الَّتِي اكْتَسَبَهَا بِالْإِسْتِمَاعِ وَ مَنْ نَظَرَ إِلَى كِتَابَتِهِ فِي فَضَائِلِهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الذُّنُوبَ الَّتِي اكْتَسَبَهَا بِالنَّظَرِ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ النَّظَرُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عِبَادَةٌ وَ ذِكْرُهُ عِبَادَةٌ وَ لَا يَقْبَلُ إِيْمَانٌ عِنْدَ إِلَّا بِوَلَايَتِهِ وَ التَّوَأْدَةِ مِنْ أَعْدَائِهِ. (أمالی صدوق، ص ۱۳۸، مجلس ۲۸)

که روحش آلوده شده، از معرفت حضرت زهرا علیها السلام نیز محروم گردیده است!

آری، چنان که هرچه معرفت انسان به خداوند افزایش یابد، پرهیز از گناه نیز در انسان افزوده می شود، هرچه بر معرفت حضرت زهرا و ائمه علیهم السلام اضافه شود، مبادرت نفس به گناه و چرخش آدمی به سوی ناروا کاهش می یابد.

سپاسگزاری بر نعمت معرفت

شکی نیست که هر شیعه ای که دل در گرو ارادت به حضرت زهرا علیها السلام دارد، در مسیر معرفت آن حضرت قرار گرفته و از نعمتی بس بزرگ برخوردار شده است! خداوند این لطف عظیم را در حق ما روا داشته؛ گرچه همچون کودکی، در دبستان شناخت و معرفت باشیم. هرچه این نعمت را بیشتر بشناسیم، قدرش را بیشتر بدانیم و بهتر شکر آن را به جا آوریم، خداوند بر معرفتمان می افزاید؛ چرا که قانون خداوند این است:

﴿لَإِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾^۱

اگر سپاس بگذارید، قطعاً بر (نعمت) شما می افزایم.

اینک از خود می پرسیم: آیا تا به حال به خاطر معرفت حضرت زهرا علیها السلام سجدهی شکر به جا آورده ایم؟ آیا در سجودمان گفته ایم: «خدایا سپاسگزارم که به من نعمت معرفت حضرت زهرا علیها السلام را عطا فرموده ای؟ و آیا نسبت به این نعمت بزرگ، از قلب و جانمان

۱. سوره ی مبارکه ی ابراهیم، آیه ی ۷.

سپاسگزار ربّ العالمین بوده ایم؟

بنابراین باید دری به سوی شناخت آن حضرت گشود و به قطره‌ای از دریای بی‌کران آن بانوی بی‌بدیل دست یافت. پیامبر اکرم و ائمه عليهم السلام، خود باب این معرفت را گشوده‌اند و زوایایی از مقامات حضرت صدّیقه‌ی طاهره عليها السلام را بیان داشته‌اند. با دقّت و تأمل در اوصافی که درباره‌ی آن حضرت بیان شده، می‌توان بر درجات معرفت افزود و مراتب کمال را طی نمود.